



زن در ترازو

در این نوشتار می‌کوشم نشان دهم که علی‌رغم آنچه به ظاهر گفته می‌شود، جایگاه زن در اسلام تاریخی به شدت جایگاهی نازل و سطح پایین است و متاسفانه فقها همواره زن را شهروندی درجه چندم به حساب می‌آورده‌اند و حتی امروز نیز چنین است. امیدوارم طرح این بحث بتواند جایگاه حقیقی زن در متون فقهی و روایی را روشن کند.

نکاح، در زمره عقود معاوضی نیست. اما مهریه سایه‌ای سنگین بر سر عقد نکاح انداخته است که به هیچ روی قابل اغماض نیست تا جایی که می‌توان آنرا عقد معاوضی غیر حقیقی دانست. با این تحلیل مهریه به کل از هدیه بودن خارج می‌شود و بدل به خرید و فروشی می‌گردد که چنانچه خواهد آمد به هیچ وجه منصفانه نیست. دقت به این نکته ضروری است که مهریه طلب زن است بر مرد، که رابطه بدهکار و طلبکار را بین زوج و زوجه بوجود می‌آورد و اصلاً در حد یک هدیه در معنای متعارف برای ابراز علاقه نیست. چنانچه در احکام خرید و فروش کنیز در اسلام، مولی باید مالی را بپردازد تا صاحب کنیز شود، در ازدواج عیناً همین مطلب تکرار می‌شود با این تفاوت که در خرید و فروش کنیز، وجه به صاحب کنیز پرداخت می‌شود اما در ازدواج مهریه به خود زن تعلق می‌گیرد. البته در عقد نکاح ممکن است مهریه ضمن عقد مشخص نشود، اما بالاخره مرد باید وجهی را بپردازد که در این صورت مهرالمثل نامیده می‌شود.

چنانچه در آثار فقها آمده است، مهریه وجهی است که مرد در ازای تصاحب بضع زن می‌پردازد (جواهر الکلام ج ۳۱ ص ۱۰۷). یعنی در واقع مرد مالی را می‌پردازد و بضع (آنچه زن در بضاعت دارد) را مالک می‌شود. اما این پاسخ بی‌اشکال نیست چرا که زن بضع خودش را به مرد هدیه نمی‌کند بلکه اثر وضعی عقد در اسلام این است که مرد با پرداخت این وجه مالک بضع زن می‌شود حتی اگر هیچ مهر و علاقه‌ای نیز در میان نباشد. علامه حلی در این باره مینویسد: "مهر عوض بضع است و زن به سبب عقد مالک آن می‌شود، عوض [به کسر عین] به چیزی اطلاق می‌شود که جای چیزی دیگر واقع می‌شود" (علامه حلی ۱۴۱۱ ق، ص ۱۴۱) و همچنین شیخ طوسی در این باره می‌گوید: "هرگاه مردی به مهر معلوم با زنی ازدواج کند، زن به سبب عقد مالک مهر می‌شود و مرد در همان وقتی که او مالک مهر شده مالک بضع می‌شود. زیرا نکاح یک عقد معاوضی می‌باشد" (شیخ طوسی ۱۳۸۷ ق، ج ۴ ص ۳۱۰). البته بنظر نویسنده چنانچه در بین فقها مشهور است عقد

مساله مهریه بعنوان یک بحث کلیدی در وادی بحث مورد استفاده قرار می‌گیرد و سپس بحث بر همین محور ادامه می‌یابد. بسیاری دانشمندان توحیدی چنانچه در آیه ۴ سوره نساء (صدقاتهن نحلّه) آمده است، مهریه را بخشش و عطیه‌ای می‌دانند که مرد در قبال به دست آوردن زن پرداخت می‌کند. گویی مهریه هدیه‌ای است از طرف مرد به زن برای اثبات مهر و محبت و صداقت. اما در روایتی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است: هدیه سه گونه است، یکی در مقابل هدیه‌ای دیگر، دیگری برای آشتی و سوم برای رضای خدا. (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵ ص ۱۴۱ ح ۱، دارالکتب الاسلامیه، تهران) پیامبر اسلام هدیه را محدود به این سه قسم می‌داند و نوع چهارمی را متصور نمی‌شود. واضح است که مهریه برای رضای خدا پرداخت نمی‌شود، برای آشتی کردن هم نیست و در بهترین حالت برای ممانعت از جدایی فیزیکی بین زن و مرد است و هرگز نمی‌تواند مهر و محبت را بیفزاید. اما می‌تواند به نوعی در دل نوع اول هدیه دادن قرار بگیرد.

نکته قابل تامل دیگری در اینجا هست و آن شباهت دیگری بین زمان خرید کنیز و ازدواج یک مرد با یک زن است. برای مثال در برخی کتب آمده است که مرد می تواند هنگام عقد نکاح، مانند زمان خرید کنیز قسمت هایی از بدن زن را ببیند و در این مورد باب های روایت نیز وجود دارد. (وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۸۷) و دو روایت زیر ذهنیت کالا بینی زن را در روایات اسلام به خوبی نشان می دهد: **سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا قَالَ نَعَمْ إِنَّمَا يَشْتَرِيهَا بِأَعْلَى الثَّمَنِ** از امام صادق پرسیدم مردی میخواهد با زنی ازدواج کند آیا حق دارد او را ببیند؟ فرمود بله چرا که او را به بهای گرانی میخرد (کافی ج ۵ ص ۳۶۵) **إِنَّمَا الْمَرْأَةُ قِلَادَةٌ فَانظُرْ مَا تَتَّقِلُ** امام صادق (ع) درباره ضرورت دیدن و انتخاب زن شایسته فرمودند: زن همانا گردنبندی است، نیک بنگر که چه برگردن می اندازی. عنه عن أبيه عن ابن أبي عمير عن هشام بن سالم و حماد بن عثمان و حفص بن البختري كلهم عن أبي عبد الله ع قال: لا بأس بأن ينظر إلي وجهها ومعاصمها إذا أراد أن يتزوجها (الكافي ج ۵ ص ۳۶۵) در روایات بسیاری نیز جواز نظر به بدن کنیز هنگام خرید وارد شده است: **إذا أراد ان ايشترى جاريتة فإرضاهم علي ثمن، وضع يده علي و ينظر الي ساقبها و بطنها (المصنف عبدالرازق صنعاني روایت ۱۳۲۰۰) گویی نظام کمابیش یکسانی بر مالکیت زنان غیر کنیز و کنیز سایه افکنده است. ازدواج چنانچه در فلسفه اخلاق آمده است یک قرارداد است ما بین دو نفر و در واقع دو نفر**

بهم قرارداد می بندد. قرارداد عهد یا پیمانی است که دو یا چند نفر با هم می بندند و به واسطه آن وظایف و حقوقی برای آنها مشخص می شود. در عوض عقد، زن هم مالک مهریه می شود و هم باید نفقه دریافت کند. از نظر اسلام تامین هزینه خانواده و از جمله مخارج شخصی زن به عهده مرد است و زن هیچ مسئولیتی ندارد (محقق داماد ۱۳۷۴ ص ۲۸۹). یعنی تکلیف مرد در دادن نفقه یک جنبه است و ثروتمند بودن یا نبودن زن تاثیری در آن ندارد. نفقه تمام وسایلی است که زن با توجه به درجه تمدن و محیط زندگی و وضع روحی و جسمی خود بدان نیازمند است



(کاتوزیان ۱۳۷۸ ص ۱۸۷). در اثر دریافت مهریه (چه مهرالمسمی چه مهرالمثل) و نفقه، چنانکه گفته شد، مرد مالک بضع زن می شود و زن که باید به مرد تمکین کند. تمکین انواع گوناگونی دارد که به آنها خواهیم پرداخت. تمکین به معنای قبول سرپرستی دیگری و دادن اختیار خود آن شخص است. در کتب فقهی این واژه بیشتر به معنای پاسخ دادن زن به خواسته های مشروع جنسی همسر خود مورد استفاده قرار گرفته است. اما در منابع حقوقی دارای دو معنای اصطلاحی است. تمکین عام به معنی قبول ریاست شوهر بر خانواده و محترم شمردن اراده او در تربیت فرزندان، اداره مالی و اخلاقی خانواده است و تمکین خاص همان است که در کتب فقهی آمده است. (صفایی و امامی حقوق خانواده ج ۱ ص ۱۷۳) ابتدا تمکین به معنای خاص یعنی پاسخ به خواسته های مشروع جنسی شوهر را مورد بررسی قرار می دهیم یکی از مهمترین **مصادیق اطاعت زوج از زوجه، بلکه مهم ترین مصداق اطاعت، تمکین جنسی به شمار می آید (بانوان شیعه- پاییز و زمستان ۹۰ شماره ۲۷ از ۱۴۹ تا ۱۸۲)**. در این باره در قرآن به آیات ۲۲۲ و ۲۲۳ سوره بقره استناد میشود: **و يسألونك عن المحيض قل هو اذى فاعتزلوا النساء فى المحيض ولا تقربوهن حتى يطهرن و انا تطهرن فاتوهن من حيث امركم الله ان الله يحب التوابين و يحب المتطهرين نسائكم حرث لكم فاتوا حرثكم انى شئتم و قدموا لانفسكم واتقوا الله و اعملوا انكم ملاقوه و بشر المومنين ان تو در باره حیض می**

برسند، بگو: حیض، حالت ناملایم و زیان باری است؛ پس در زمان حیض از [آمیزش با] زنان کناره گیری کنید، و با آنان نزدیکی ننمایید تا پاک شوند؛ و هنگامی که پاک شدند از جایی که خدا به شما فرمان داده با آنان آمیزش کنید. یقیناً خدا کسانی را که بسیار توبه می کنند، و کسانی را که خود را [با] پذیرش انواع پاکی ها از همه آلودگی ها] پاکیزه می کنند دوست دارد. زنان شما کشتزار شمایند، هر زمان و هر کجا که خواستید به کشتزار خود در آید و [با رعایت حقوق یکدیگر، و حفظ عفت و پاکی، در سایه زناشویی و تولید نسلی پاک و شایسته و صالح، خیر و ثوابی] برای خودتان پیش فرستید، و از خدا پروا کنید، و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد، و مؤمنان را بشارت ده.

در این آیات تنها مانعی که برای مرد در استمتاع شمرده می شود یک مانع شرعی یعنی حیض است. چنانکه مرحوم آیت الله خویی می نویسد: آیه به مردان حق هر گونه بهره وری جنسی از زن را می دهد پس مردان در هر زمان و مکان و هر نوع استمتاع جنسی را می توانند از زن داشته باشند (خویی ۱۴۰۹ ج ۱ ص ۱۳۱ و ۱۳۲) این منظور با روایت زیر از پیامبر موجه و مستدل می شود: **جاءت امرأة إلى النبي ص فقالت يا رسول الله ما حق الزوج علی المرأة. ولاتمنعه نفسها و إن كانت علی ظهر قتب: زنی نزد پیامبر آمد و پرسید حق مرد بر همسرش چیست؟ فرمود... خودش را همسرش منع نکند حتی اگر بر پشت شتر باشد (الكافی ج ۵ ص ۵۰۷) و همچنین: أتت امرأة**

إلی رسول الله ص فقالت ما حق الزوج علی المرأة فقال أن تجيبه إلی حاجته و إن كانت علی قتب (الكافی ج ۵ ص ۵۰۸) این روایات بر وجوب تمکین همسرش را فاقد قید مکانی دارد نه زمانی می داند و فقط چند استثناء وجود دارد که در ادامه خواهد آمد. اما پیش از بررسی موارد استثناء لازم است این نکته عرض شود که خروج زن از خانه یا انجام عبادات مستحبی نیز باید منافاتی با حق استمتاع زوج نداشته باشد در غیر این صورت زوجه حق انجام عبادات مستحبی و خروج از خانه حتی برای انجام برخی عبادات را



ندارد. برای مثال محمدحسن نجفی به اختصار چنین می نویسد: (خروج زن از منزل و سفر رفتن حتی اگر سفری واجب باشد بدون اذن شوهر، باعث ساقط شدن نفقه می شود) (جواهر الکلام ج ۳ ص ۳۱۴-۳۱۷). آیت الله ابوالحسن اصفهانی نیز رای او را تأیید میکند. آیت الله محمد رضا گلپایگانی هم عیناً همین مطلب را تکرار می کند (وسیله النجاه ج ۳ ص ۲۱۲)، بر اساس این فتاوا زن حتی برای عبادت یا شرکت در مراسم عزای پدرش نیز نباید بدون اذن شوهر از خانه خارج شود. فقها صریحاً گفته اند (ان کان حق الزوج اعظم) یعنی حق مرد همواره از حق زن برتر و شریف تر است. (امام خمینی تحریر الوسیله ج ۲ کتاب النکاح) **جاءت امرأة إلى النبي ص فقالت يا رسول الله ما حق الزوج علی المرأة فقال لها... و لا تصوم تطوعاً إلا بإذنه... و لا تخرج من بيتها إلا بإذنه (الكافی ج ۵ ص ۵۰۷) گروهی از فقها نظیر آیت الله خویی و مرحوم شیخ فضل الله نوری در این باره معتقدند: زن حق ندارد از خانه خارج شود در صورتی که خروج او از خانه یا گرفتن روزه مستحبی با حق استمتاع زوج منافات داشته باشد. پیش از هر چیزی باید شمسار بود از چنین چهره ای که این روایات به مرد داده اند و او را یک مانند یک حیوان که تمام وجودش شهوت است معرفی کرده اند. گویی تمام چیزی که مرد از همسرش می خواهد بر طرف کردن شهوت است، چرا که بیش از همه چیز به آن پرداخته شده است. هاشا اگر این تصویر یک پیامبر از مرد باشد.**

اما آیا اگر زوج نیاز جنسی نداشته، زن می تواند از خانه خارج شود؟

تبیین مسأله اطاعت

در قرآن مهم ترین آیه ای که در باره وجوب اطاعت زوج از زوج مورد استناد قرار گرفته ایه ذیل است: (الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِن أَطَعْتِكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا) مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند، پس، زنان درستکار، فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده اسرار [شوهران خود] را حفظ می کنند. و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاهها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد] آنان را بزیند؛ پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید، که خدا والای بزرگ است. (نساء ۳۴ ترجمه فولادوند) آراء برخی مفسران در باره این آیه: شیخ طوسی در تفسیر تبیان و مرحوم طبرسی در مجمع البیان ذیل آیه شریفه، قوامیت مردان بر زنان را در تادیب و تدبیر امور خانواده می دانند. در این کلام ایشان قوام را به معنای تسلط داشتن مردان بر برخی شئون زنان دانسته اند. علامه آلوسی در روح المعانی گفته اند: موقعیت مردان، قیام بر زنان است، بسان والیان که بر رعیت از طریق امر و نهی قیام دارند. علامه طباطبایی نیز میفرماید: قوام از ماده قیام و به معنای اداره زندگی است. یعنی قوام، نوعی سرپرستی و برعهده گرفتن امور را معنا می دهد. در ادامه آیه آمده است که (بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ) سخن از فضل گروهی بر گروه دیگر به میان آمده است. مفسران این فضل را فضل مردان بر زنان فرض گرفته اند و به دنبال وجه فضل گشته اند و اینجاست که عبارات متأثر کننده ای را در آثار آنها می بینیم که متأسفانه نشان دهنده نگرش درجه جیتر تفسیر علامه طباطبایی است که با وجود زندگی در عصر حاضر و درک پیشرفت های زنان

در جهان ذیل آیه چنین می نویسد: والمراد بالفضل هو الزیاده فی العقل. یعنی وجه فضل زیادت در عقل است و در ادامه میفرماید مقصود از فضیلت، فضیلت جسمی نیست، چرا که نزد خداوند متعال توانایی جسمی ملاک برتری نیست، پس منظور از فضل، همان زیادی قوه عقل در مردان است. در

مورد لزوم اطاعت زوج از زوجه به دو روایت اکتفا می کنیم که باز هم متأسفانه چهره ی ناخوشایندی دارند. جاءت امرأة إلى النبی ص فقالت یا رسول الله ما حق الزوج علی المرأة فقال لها أن تطیعه و لا تعصیه و لا تصدق من بیته إلا بإذنه و لا تصوم تطوعاً إلا بإذنه و لا تمنعه نفسها و إن كانت علی ظهر قتب و لا تخرج من بیته إلا بإذنه و إن خرجت من بیته بغير إذنه لعنتها ملائكة السماء و ملائكة الأرض و ملائكة الغضب و ملائكة الرحمة حتی ترجع إلى بیته (الکافی ج ۵ ص ۵۰۷) زنی نزد پیامبر آمد و گفت ای رسول خدا حق زوج بر زنش چیست؟ پیامبر فرمود: اینکه همسر مطیع او باشد و از فرمانش سرپیچی نکند و از مالش بدون اذن شوهر صدقه نهد و بدون اذن او روزه مستحبی نگیرد و خودش را از او منع نکند حتی اگر بر پشت شتر باشد و از خانه اش بدون اجازه خارج نشود، و اگر بدون اجازه شوهر از خانه خارج شد ملائک آسمان و زمین و ملائک غضب و رحمت او را لعن میکنند تا زمانی که به خانه برگردد. جهاد المراه حسن التبعل (همان ص ۵۰۸) جهاد زن حسن فرمانبرادی از همسر است. **چقدر عجیب است که اطاعت از شوهر حق زن به حساب می آید و نه وظیفه او! همین نکته نشان دهنده فقر بسیار متون روایی در باره مسأله حقوق زن است.** روشن شد که زوجه باید از زوج (در غیر از تمکین جنسی) اطاعت کند. پس در پاسخ به سوال فوق که (آیا اگر زوج نیاز جنسی نداشته، زوجه می تواند از خانه خارج شود؟)، یک نکته دیگر که باید مورد دقت قرار بگیرد حق و موقعیت ریاست و مدیریت مرد در خانواده است. بر این اساس این اختیار برای مرد در نظر گرفته شده است که روابط و معاشرت های زن را کنترل کند و حتی محدودیت هایی برای او در نظر بگیرد. پس اگر زن بخواهد از خانه خارج شود یا عبادت مستحبی به جا بیارد باید دو نکته را در نظر بگیرد، اول استمتاع زوج و دوم موقعیت ریاست و مدیریت شوهر در خانه. در واقع از آنجایی که (التزام به شی در حکم التزام به لوازم شی است) و زن با التزام به عقد نکاح که از مقومات آن مهریه

است به لوازم نکاح یعنی استمتاع زوجه و ریاست او نیز ملتزم می شود و باید آنها را رعایت کند. این مسائل تنها بخشی از تمام مطلب است و هرگز نمی تواند ظلمی که به زنان در تاریخ به اسم دین شده است را نشان دهد.

